

وضعیت اهل بیت (علیهم السلام) در زمان امام کاظم (ع)

رمضان محمدی ۱

چکیده

پیامبر (ص)، در روایت معروف سفینه، اهل بیت خود را مانند کشتی نوح دانسته و مردم را به پیروی از آنان سفارش فرموده‌اند. بعد رحلت آن حضرت، عواملی سبب کناره‌گیری اهل بیت از رهبری جامعه شد و طولی نکشید که امویان، حاکمیت را به دست گرفتند و اوضاع سیاسی، آنان را وارد درگیری سیاسی و نظامی با اهل بیت کرد. جایگاه اهل بیت در بین مسلمانان سبب شعله‌ور شدن احساسات و گرایش مردم به آنان و موجب تنفر از اموی‌ها گشت. عباسیان با شعار دعوت به اهل بیت، جوهره رهبری را در مبارزه سیاسی با امویان تعریف کردند و با عشق به اهل بیت، دولت اموی را برانداختند و خود سوار بر مرکب خلافت شدند. اهل بیت که با حاکمیت بنی‌عباس مخالف بودند، مورد خشم و کینه آنان قرار گرفتند. نخستین بار منصور شاخه حسنی هاشمیان را به شدت سرکوب کرد و بسیاری از شخصیت‌های برجسته آنان را زندانی نمود یا به قتل رساند. بعد از منصور، شاخصه حسینی اهل بیت که فرد شاخص آنان امام کاظم (ع) بودند، نخست مهدی عباسی و پس از آن فرزندش هارون، امام را سال‌ها

ص: ۲۵۸

زندانی کردند و در زندان به شهادت رساندند. عباسیان علاوه بر قتل و سرکوب علویان، از تبلیغات باطل خود دست نشستند و کسانی را برای ترویج دیدگاه‌های خود مبنی بر مشروعیت خلافت بنی‌عباسی و شکستن هیمنه اهل بیت به کار گرفتند. از این رو، دامنه مجادله بین اهل بیت و بنی‌عباس روز به روز بیش‌تر شد و عباسیان سعی کردند بنی‌هاشم را به پذیرش حاکمیت خود ملزم سازند؛ از این رو، اوضاع سیاسی - اقتصادی برای بنی‌هاشم به شدت سخت شد. امام کاظم (ع) به صورت‌های مختلف، به مقابله با حکومت قدرت‌مند مهدی و پس از او با حکومت مستعجل هادی و خلافت طولانی هارون پرداختند و در موارد مختلفی، مواضع منفی خود را با گفتارها و رفتارهای سیاسی ابراز کردند. ایشان به عنوان امامی برحق از اهل بیت، سکان‌دار حرکت‌های اصلاحی پنهان و آشکار اهل بیت و پیروان خود بودند.

واژگان کلیدی: امام کاظم (ع)، اهل بیت (علیهم السلام)، بنی‌هاشم (ع)، بنی‌عباس، علویان.

مقدمه

عباسیان با شعار «الرضا من آل محمد»^۲ توانستند به حکومت ضد هاشمی امویان پایان دهند و در عرصه سیاست، سلسله جدیدی را به نام عباسیان تأسیس کنند. انقلاب عباسیان در عرصه سیاسی و دینی در ابتدای امر، نقطه تحولی مهم

۱. عضو هیأت علمی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

و سرنوشت‌ساز به شمار می‌رفت که در واکنش به انحرافات فکری و سیاسی امویان به وقوع پیوست که از تعصبات قبیله‌ای جاهلی سرچشمه می‌گرفت. اهل بیت که در تمام دوران حاکمیت بنی‌امیه هر لحظه ممکن بود بازداشت، زندانی یا کشته شوند، برای مدت کوتاهی از ناحیه عباسیان امنیت یافتند، اما طولی نکشید که

ص: ۲۵۹

ساختار قدرت دیکتاتوری عباسیان شکل گرفت و نبرد قدرت میان عباسیان و علویان به ویژه شاخه حسنی از اهل بیت آغاز شد و اوضاع را به شدت دگرگون ساخت؛ سخت‌گیری و آزار علویان به ویژه با تندروی برخی شخصیت‌های مهم حسنی، فجایع دوران اموی را با شدت بیش‌تر از روزگار منصور آغاز کرد و در زمان هارون شدت بخشید و تا پایان خلافت عباسی ادامه یافت. ۳. نخست منصور شاخه حسنی را به شدت سرکوب کرد و بسیاری از شخصیت‌های برجسته آنان را زندانی نمود و یا به قتل رساند. ۴. بعد از منصور شاخه حسینی خاندان رسول خدا (ص) که شخصیت بارز آنان امام کاظم (ع) بودند نخست مهدی ع و پس از آن فرزندش هارون، حضرت را سال‌ها زندانی کردند و سپس در زندان به شهادت رساندند. ۵.

بازتاب حرکت اهل بیت (علیهم السلام) در فضای سیاسی - فرهنگی جامعه

عصر هارون از نظر سیاسی - فرهنگی، از بغرنج‌ترین و پرحادثه‌ترین دوران برای اهل بیت (علیهم السلام) به شمار می‌رود. ۶. این عصر به لحاظ سیاسی - اقتصادی، عصر طلایی خلافت عباسی بود و دامنه حکومت هارون، مقتدرترین خلیفه عباسی، بیش از سایر خلفا بر سرزمین‌های اسلامی گسترش یافت. تلبس خلفای قبل از هارون به هاله‌های تقدس در به زیر یوغ کشاندن مردم و تن دادن آنان به ظلم و

ص: ۲۶۰

فساد عباسیان، بیش‌ترین سبب را در کم اثر ماندن حرکت‌های اصلاحی اهل بیت داشت، اما پس از قیام‌های محمد نفس زکیه و ابراهیم در عصر منصور، با توجه به جایگاه اهل بیت در میان مردم، احساسات بیش‌تر مردم به اهل بیت (ع)

۲. اگر شعار «الرضا من آل محمد» نبود، قیام عباسیان نیز در حد شورش‌های اشرافی و قبیله‌ای باقی می‌ماند و مانند قیام زبیریان سرکوب می‌شد.

۳. منصور نظامیان خود را جمع کرد و به آنان گفت: «به خدا سوگند نیکخواه‌تر از حجاج بن یوسف برای مروانیان ندیده‌ام!» مسیب بن زهیر در جواب او گفت: «ای امیرمؤمنان، حجاج در کاری بر ما پیشی نگرفته است. خداوند در روی زمین خلقی گرامی‌تر از پیامبر خلق نکرده است. تو ما را به کشتن فرزندانش فرمان دادی ما نیز اطاعت کردیم. آیا باز به تو نیکخواه نبوده‌ایم؟» منصور گفت: «بنشین که ننشینی!» (مروج الذهب، ج ۳، ص ۳۶۲).

۴. محمد بن جریر طبری، تاریخ طبری، ج ۷، ص ۶۴۷؛ ذهبی، تاریخ الإسلام، ج ۹، ص ۴۲.

۵. نک: تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۴۰۸-۴۱۶.

۶. برای اوضاع بد فرهنگی و سردرگمی شیعیان بعد از شهادت امام صادق (ع) نک: العطاردی، مسند الإمام الکاظم (ع)، ج ۱، ص ۳۹۳.

متماثل شد و موجب تنفر عمومی از خلافت عباسی و نافرمانی از آنان گشت و همین امر، عباسیان را وارد درگیری سیاسی و نظامی با اهل بیت (ع) کرد.

در واقع بعد از خلافت منصور، دامنه مجادله بین علویان و بنی عباس روز به روز بیش‌تر شد و عباسیان سعی کردند، بنی هاشم را به پذیرش حاکمیت خود ملزم سازند. ۷ عده‌ای از علویان که گریزگاهی از این الزام عباسیان نمی‌دیدند، دست به قیام کردند. قیام علویان، رابطه خلافت عباسی با اهل بیت (علیهم السلام) به ویژه در دوره امام کاظم (ع) را از همه جهات کاملاً خصمانه و تیره و تار ساخت. اهل بیت و یا منسوبان به آنان، همه گونه آزادی سیاسی، فرهنگی و حتی اجازه فعالیت‌های اقتصادی را از دست دادند و زمینه همه نقش‌هایی را که ممکن بود در کنش‌های سیاسی و فرهنگی جامعه ایفا کنند، نابود گردید و حرکت‌های مردمی مدعیان فعال خاندان اهل بیت یکی پس از دیگری سقوط کرد. در واقع اقتدارگرایی و بی بندوباری اخلاقی خلفای عباسی و ندیمان و وابستگان آنان، مانع از حضور هرگونه فعالیت فرهنگی و دینی اهل بیت و به ویژه مشارکت آنان در امر اداره جامعه شد. جامعه اسلامی از نظر فرهنگ مدنی و نظام فکری، فرهنگی و دینی، آسیب‌های فراوانی را متحمل گردید. جریان‌های مخالف سیاسی - مذهبی به تدریج جذب خلافت عباسی شدند و تحت حمایت دستگاه خلافت قرار گرفتند؛

ص: ۲۶۱

اما علویان به برکت راهنمایی‌های امام کاظم (ع)، هرگز در ترکیب پدیدار شده، جذب نشدند و در امتداد این حوادث، هرگز موضعی ذلیلانه اتخاذ نکردند و ستم عباسیان، عزم آنان را در راه حفظ اسلام سست نکرد؛ بانک حق طلبانه آنان پیوسته بلند بود و ارجمندترین دارایی خود یعنی جانشان را فدای دین کردند.

در نظام عباسی به ویژه در دوره اقتدار هارون، آزار آشکار دولتی و آزار نهانی علویان با نتایجی مشخص در پوششی فریبنده در نوسان بود. ۸ خودکامگی بی حد خلیفه عباسی و دیکتاتوری نظامی او، ستم بی حد به اهل بیت و طرفداران آنان حتی قشرهای عمومی و نخبگان جامعه را در پی داشت و آنان را علیه عباسیان برانگیخت و قیام‌ها و نهضت‌های خونین زیادی را سبب شد. از جمله این قیام‌ها، قیام سهمگین مردی پرهیزکار و عابد از علویان به نام حسین بن علی شهید فخ است. این قیام چنان با صلابت بود که شوکت و عزت عباسیان را درهم شکست و آنان را در معرض سقوط جدی قرار داد. لذا با چنان خشونت‌ی از طرف عباسیان و خلیفه وقت (هادی) سرکوب شد که باید آن را شبیه‌ترین قیام‌ها

۷. درباره این‌که چرا بنی عباس و بنی امیه، سعی در همراه کردن بنی هاشم داشتند، امام فرمودند: «وضع بنوأمیه و بنوالباس سیوفهم علینا لعلتین: إحداهما أنهم كانوا يعلمون أنه ليس لهم في الخلافة حق فيخافون من ادعائنا إياها و تستقر في مراكزها، و ثانيهما أنهم قد وقفوا من الأخبار المتواتره على أن زوال ملك الجبابره و الظلمه على يد القائم منا، و كانوا لا يشكون أنهم من الجبابره و الظلمه، فسعوا في قتل أهل بيت رسول الله (ص) و إباره نسله طمعا منهم في الوصول إلى منع تولد القائم عليه السلام أو قتله... (حر عاملی، إثبات الهداء، ج ۵، ص ۱۹۷).

۸. برای آگاهی بیش‌تر نک: باقر شریف القرشی، حياه الإمام موسى بن جعفر (ع)، ج ۲، ص ۱۵۵.

به قیام سالار شهیدان کربلا دانست. ۹. در این قیام علاوه بر کشته شدن شخصیت‌های مهمی از علویان، پیامد آن دامن‌گیر امام نیز گشت و هادی عباسی او را آشکارا به شهادت تهدید کرد. ۱۰.

علاوه بر اوضاع نابه‌سامانی که از ناحیه عباسیان به اهل‌بیت تحمیل شد، اختلافات و انشعابات داخلی تشیع امامی، مشکل اساسی دیگری در برابر آنان بود؛ مانند روی آوردن عده‌ای به وقف در دوران امام کاظم (ع). ۱۱.

ص: ۲۶۲

با دقت در وصیت امام صادق (ع) درباره جانشین خویش، در می‌یابیم که اوضاع سیاسی برای اهل‌بیت (ع) و علویان از زمان منصور به شدت در اختناق بود و این دوره، دوره محنت اهل‌بیت (علیهم‌السلام) و درگیری آشکار عباسیان با آنان به شمار می‌رفت. ۱۲. نتیجه این درگیری‌های آشکار و نهان با اهل‌بیت این بود که علاوه بر کشتارهای بی‌رحمانه خاندان پیامبر (ص)، سرانجام فرد شاخص آنان امام کاظم (ع) را در عصر خلافت هارون دستگیر کردند و در سال ۱۸۳ قمری (۷۹۹ م.) به شهادت رساندند. ۱۳.

البته در بین اهل‌بیت، برهان قویم و استوار امامت در سخت‌ترین موقعیت‌ها، بهترین عملکرد را داشت. عملکرد درست آنان، دشمن را به ضعف و ناتوانی وامی‌داشت. امام با سفارش علویان به صبر و اعتدال و دوری از هرگونه درگیری، آنان را از هرگونه عمل افراطی باز می‌داشتند. از این رو، دستگاه خلافت چون مستمسکی نمی‌یافت، به بهانه‌های واهی، مردان برجسته اهل‌بیت و از جمله امام را احضار می‌نمود و محدودیت‌های جدید برای آنان ایجاد می‌کرد.

هارون و خلفای قبل از او، عمیقاً به این نکته آگاه بودند که فعالیت‌های مذهبی و فکری اهل‌بیت و شیعیان امام کاظم (ع) می‌تواند، خلافت او را به چالش بکشاند و آن را تهدید کند. به ویژه وجود گزارش‌هایی مبنی بر چرخش برخی شخصیت‌های برجسته اعتقادی به هواداری از علویان و عباسیان، بر این نکته تأکید دارد. همواره در دوره‌های مختلف تاریخ اسلام جذابیت و شوکت اهل‌بیت در میان عامه مردم، موهبتی بود که گروه‌های دیگر از آن بی‌بهره بودند. از این رو، هارون با وجود سختی‌ها و فشارهای دهشتناکی که بر اهل‌بیت وارد می‌کرد، این کار نه قدرت او را استحکام بخشید و نه توانست عقیده عمومی را درباره

ص: ۲۶۳

۹. محمد بن جریر طبری، تاریخ الأمم و الملوك، ج ۸، ص ۲۰۲؛ مسعودی، مروج الذهب و معادن الجواهر، ج ۳، ص ۳۲۷.

۱۰. بحار الأنوار، ج ۴۸، ص ۱۵۱.

۱۱. رجال الکشی، ص ۴۵۷؛ طبرسی، إعلام الوری، ج ۲، ص ۴۳.

۱۲. مفید، ارشاد، ج ۲، ص ۲۲۵.

۱۳. دیارالبکری، تاریخ الخميس، ج ۲، ص ۲۸۷.

شخصیت الهی و پرجذبه اهل بیت به ویژه امام کاظم (ع) تغییر دهد. بنابراین او سیاست ارتشا و ارباب را در مورد اهل بیت و پیروان آنان دنبال کرد. ۱۴ علی رغم فشارهای زیاد عباسی و وقوع برخی قیام‌های علویان در زمان امام کاظم (ع) آن حضرت در این برهه از زمان، شأن خود و علویان را بالاتر از سبک قیام‌های مرسوم زمان عباسیان می‌دانستند، لذا آنان را از چنین خروج و قیامی منع می‌کردند. ۱۵

در مقابل هم قرار دادن علویان

یکی از حیل‌های عباسیان در مواجهه با علویان، در مقابل هم قراردادن و ایجاد درگیری بین آنان بود. برای این منظور، مهدی بعد از آزادی امام کاظم (ع) از زندان، یعقوب بن داوود (از کارگزاران امنیتی بنی‌امیه در خراسان) را در سال ۱۶۳ قمری وزیر خود کرد و زمام امور خلافت را به او سپرد. یعقوب زیدیان را گرد آورد و آن‌ها را به مسئولیت‌های عالی حکومتی گماشت. ۱۶ آنان در طول دوران خلافت مهدی، این ادعا را منتشر کردند که علی (ع) امام برحق پس از پیامبر، نبودند، بلکه عباس بوده، بنابراین امامت به خاندان عباس تعلق دارد. یعقوب بسیاری از فقها را از مکان‌های مختلف گرد آورد و آن‌ها را سازمان داد تا شاهد ادعای امامت عباس و مشروعیت خلافت بنی‌عباس باشند و بدین ترتیب بعد از تضعیف باورهای اساسی علویان، به تعقیب آنان یا هر کسی بپردازند که

ص: ۲۶۴

ادعای حقی در خلافت دارد. در این زمان، فشار علیه اهل بیت و به طور عام‌تر علیه علویان به حدی رسید که عده‌ای از آنان مجبور شدند از کوفه به استان‌های دوردست مانند یمن بگریزند، در چنین اوضاعی، امام کاظم (ع) با رهنمود سیاست تقیه به پیروان خود، توانستند از گسستن نظام علویان جلوگیری کنند. ۱۷

بعد از مهدی، دو فرزندش هادی و هارون بر اساس کینه‌های پیشینان خویش، با حربه زور و تزویر به جنگ با علویان پرداختند. با روی کار آمدن هادی، حسنین به شدت تحت مراقبت قرار گرفتند و برای این منظور، آنان ملزم شدند تا در مدینه، هر شب برای معرفی خود به دارالاماره بیایند. ۱۸ هادی در تعقیب طالبیان اصرار ورزید و آنان را سخت ترسانید و مقرری‌ها و بخشش‌هایی را که مهدی به آنان می‌داد، همه را قطع کرد و بر آنان جاسوس گماشت و به اطراف و اکناف نوشت که آنان را تعقیب کرده، نزد وی فرستند؛ لذا بسیاری به تعقیبشان برخاستند و تحریک مردم علیه ایشان بسیار شد. عده‌ای دست به دامن حسین بن علی بن حسن بن حسن بن علی بن ابی طالب شدند که مردی زاهد و با کمال

۱۴. جاسم حسین، تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم (عج)، ص ۶۶.

۱۵. خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ج ۱۳، ص ۳۲؛ سبط بن الجوزی، ذکره الخواص، ص ۳۱۴؛ ابن طولون، الأئمة الإثنا عشر، ص ۹۰.

۱۶. ممکن است عقیده زیدیان غیرانقلابی (جارودیه) که به امامت امام مفضول در زمان امام فاضل معتقدند، انگیزه‌ای برای مهدی شده تا آن را علیه علویان به کار برد؛ زیرا این عقیده می‌توانست به خلافت او مشروعیت بخشد.

۱۷. تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم (عج)، ص ۶۷.

۱۸. اخبار الطوال، ص ۳۸۷.

از اهل بیت بود. و از او خواستند قیام کند. ۱۹ او در سال ۱۶۹ قمری قیام کرد و به شهادت رسید. وقتی سر بریده او را همراه سایر سرهای پیروانش آوردند، موسی بن عیسی گفت: «این سر حسین بن علی است.» ۲۰ امام کاظم (ع) فرمودند: نعم، اَنَا لِلَّهِ وَاَنَا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ مَضَى وَاللَّهُ مُسْلِمًا صَالِحًا قَوَّامًا أَمْرًا بِالْمَعْرُوفِ وَنَاهِيًا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ مَا كَانَ فِي أَهْلِ بَيْتِهِ مِثْلُهُ؛ سوگند به خدا او مسلمانی صالح و شب‌زنده‌دار، امرکننده به معروف و نهی

ص: ۲۶۵

کننده از منکر بود و در میان اهل بیت همانندی نداشت. ۲۱

به دنبال قیام صاحب فخر، فشارهای هادی علیه علویان به ویژه امام کاظم (ع) بیش‌تر شد تا حدی که آن حضرت را تهدید کردند. وقتی امام از تهدیدهای هادی آگاهی یافتند، وی را نفرین کردند. لذا مدتی نکشید تا خبر مرگ او را آوردند. ۲۲

دشمنی هارون با علویان

نزدیک به چهارده سال امامت حضرت موسی بن جعفر (علیهما السلام) با خلافت خلیفه سفاک عباسی هارون مقارن بود. هارون مانند خلفای پیش از خود، کینه زیادی به اهل بیت (ع) و علویان داشت و با قساوت تمام، کمر همت به نابودی آنان بست تا به خیال خود کار را یک‌سره کند. ابوالفرج اصفهانی ۲۳ می‌گوید:

هارون برای از بین بردن علویان چنین سوگند خورد: «حَتَّامٌ أَصْبِرَ عَلَى آلِ بَنِي أَبِي طَالِبٍ! وَاللَّهِ لَا أَقْتُلْنَهُمْ وَلَا أَقْتُلَنَّ شِيعَتَهُمْ وَلَا أَفْعَلَنَّ وَلَا أَفْعَلَنَّ! ۲۴»

علویان که از دشمنی هارون نسبت به خود آگاه بودند، از سر ناچاری و هراس، به صورت ناشناس در روستاها پراکنده گردیدند؛ با وجود این، تعداد زیادی از آنان شناسایی و سپس تبعید و یا کشته شدند. هارون علاوه بر اقدامات فیزیکی

۱۹. تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۴۰۴.

۲۰. قاضی نعمان، شرح الأخبار، ج ۳، ص ۳۲۹.

۲۱. ابوالفرج اصفهانی، مقاتل الطالبیین، ص ۳۸۰.

۲۲. حر عاملی، إثبات الهداة، ج ۴، ص ۲۸۳؛ مالکی، الفصول المهمة، ج ۲، ص ۹۴۶.

۲۳. ابوالفرج، اغانی، ج ۵، ص ۱۵۰.

۲۴. «به خدا قسم آنان و شیعیان‌شان را می‌کشم!»

علیه علویان، از نظر فرهنگی نیز تبلیغات وسیعی را بر ضد آنان انجام داد. او برای این منظور، شاعران را به هجو آنان تشویق کرد. ۲۵ شدت هجمه هارون بر ضد علویان، به حدی بود که تنها در یک روز حمید بن قحطبه به دستور هارون،

ص: ۲۶۶

شصت نفر از علویان را در سیاه‌چال‌های هارون به شهادت رساند. ۲۶ هارون در دشمنی خود با خاندان رسول خدا (ص) به حدی شدید بود که خادم قبر سیدالشهدا را مؤاخذه کرد. ۲۷ و دستور داد مرقد مطهر امام حسین (ع) را تخریب کنند و درخت سدري را که نزدیک قبر مطهر بود قطع نمایند. بر اساس روایتی، رسول خدا (ص) برنده آن درخت را لعن فرموده بودند. ۲۸

لبه تیز شمشیر هارون علاوه بر علویان، متوجه شخص امام کاظم (ع) نیز بود. او با این که به علم و فضایل حضرت کاملاً آگاهی داشت و اخباری که امام از آینده فرزندان او خبر داده بودند باور داشت، آن حضرت را نیز زندانی کرد. ۲۹ وی در جایی، از امام به عنوان حجت و خلیفه الهی در روی زمین یاد کرده است. ۳۰ هنگامی که حضرت در زندان ربیع بودند، هارون با اعتراف به عظمت امام، از ایشان به عنوان راهب بنی‌هاشم یاد کرد. ۳۱ حتی او اعتراف می‌کرد که آن حضرت به جانشینی رسول خدا (ص) سزاوارتر است، اما می‌گفت: «سلطنت نازاست و خویشاوندی نمی‌شناسد.» ۳۲

امام کاظم (ع) در تمام مدت عمر شریف خویش، به دنبال کار عظیم پدر بزرگوارش، به سه مسأله مهم، یعنی طرح بنیادین مذهب و تربیت شاگردان پدرش، و حفظ انسجام علویان و اهل بیت به عنوان طلایه‌داران مذهب تشیع پرداختند تا بدین سان مذهب را روز به روز شکوفا کرده، مرزبندی دقیق و

ص: ۲۶۷

۲۵. القرشی، حیاة الإمام موسی بن جعفر (ع)، ج ۲، ص ۷۶.

۲۶. شیخ صدوق، عیون أخبار الرضا (ع)، ج ۱، ص ۱۱۱.

۲۷. طبری، تاریخ الأمم و الملوك، ج ۸، ص ۳۵۶.

۲۸. الکرمکی الحائری، تسلیة المجالس، ج ۲، ص ۴۷۴؛ مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۵، ص ۳۹۹.

۲۹. درباره این خبر نک: دینوری، اخبار الطوال، ص ۳۸۸؛ الحاج حسن، الإمام کاظم (ع)، ص ۲۶۲.

۳۰. بحار الأنوار، ج ۴۸، ص ۶۲.

۳۱. شیخ صدوق، عیون أخبار الرضا (ع)، ج ۱، ص ۹۶؛ مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۸، ص ۲۲۱. «إِنَّ هَذَا مِنْ رُهْبَانِ بَنِي هَاشِمٍ قُلْتُ فَمَا لَكَ قَدْ ضَيَّقْتَ عَلَيْهِ فِي الْحَبْسِ؟ قَالَ هِيَاتُ لَا بُدَّ مِنْ ذَلِكَ!» (قرشی، حیاة الإمام موسی بن جعفر (ع)، ج ۲، ص ۱۶۷).

۳۲. «فان الملك عقيم»؛ إحقاق الحق، شوشتری، ج ۱۲، ص ۳۰۹؛ قندوزی، ینابیع المودة، ج ۳، ص ۱۶۵.

مشخصی را از نظر فقهی و کلامی بین مذهب شیعه و سایر فرقه‌های انحرافی ایجاد نمایند. هارون از دور و نزدیک به شدت مراقب فعالیت‌های علویان بود.

او کوچک‌ترین فعالیت‌های دینی آنان را سیاسی جلوه می‌داد و به بهانه این که در صدد تشکیل حکومت و قیام علیه او هستند، کینه‌های درونی خود را آشکار و آنان را زندانی می‌کرد. ۳۳ با همه گرفتاری‌ها و موانعی که هارون برای ظهور شخصیت‌های علوی ایجاد می‌کرد، ویژگی‌های فوق‌العاده شخصیت آنان در جامعه، علویان را از دیگران ممتاز و حیات سیاسی را بر هارون تنگ‌تر می‌کرد.

با وجود فشارهای هارون، گرایش مردم در زمان امام کاظم (ع) رشد بیش‌تری یافت. فراهم آمدن اموال زیاد از خمس در نزد امام و گرفتاری حضرت از این جهت، از این موضوع حکایت می‌کند. ۳۴

مخالفت یا تفرقه بین جماعت، از واژه‌های سیاسی بود که از عصر بنی‌امیه برای قلع و قمع مخالفان به خدمت گرفته شد. عباسیان نیز با تمسک به همان واژه، مخالفان خود را به جوخه مرگ می‌سپردند. از این رو، هارون بسیاری از بزرگان از اهل بیت (ع) را با همین مستمسک دستگیر و روانه زندان یا جوخه‌های مرگ کرد تا بتواند افکار عمومی جامعه را از تحریک علیه خود باز نگاه دارد. او با تمسک به همین حربه، امام کاظم (ع) را روانه زندان کرد. ۳۵ نتیجه این که حکومت‌های ستمکار بنی‌امیه و بنی‌عباس در تمام دوران حکومت خودکامه خود، شیعیان و به ویژه اهل بیت را در سخت‌ترین وضعیت ممکن قرار دادند. فشار و

ص: ۲۶۸

ستم بنی‌عباس به خاندان وحی، از ستم بنی‌امیه بیش‌تر دانسته شده است؛ چنان‌که شاعر می‌گوید:

تالله ما فعلت علوج امیه
معشار ما فعلت بنو العباس ۳۶

دعبل خزاعی نیز گفته:

بنی‌امیه برای قتل‌عام بنی‌هاشم بهانه داشتند، اما برای بنی‌عباس عذر و بهانه‌ای نمی‌بینیم. ۳۷

۳۳. اثبات الهداء، ج ۴، ص ۲۴۲.

۳۴. حياه الإمام موسى بن جعفر (ع)، ج ۲، ص ۴۵۲.

۳۵. شیخ صدوق، عیون أخبار الرضا (ع)، ج ۱، ص ۷۳؛ ابن صباغ المالکی، الفصول المهمه، ج ۲، ص ۹۵۲. مجلسی به نقل از هارون می‌گوید: «إِنِّي أُرِيدُ أَنْ أَخَذَ مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ فَأَحْبَسَهُ لِأَنِّي قَدْ خَشِيتُ أَنْ يَلْقَى بَيْنَ أُمَّتِكَ حَرْبًا تُسْفِكُ فِيهَا دِمَاؤَهُمْ وَأَنَا أَحْسَبُ أَنَّهُ سَيَأْخُذُهُ غَدًا فَلَمَّا كَانَ مِنَ الْغَدِ أُرْسِلَ إِلَيْهِ الْفَضْلُ بْنُ الرَّبِيعِ وَهُوَ قَائِمٌ يَصَلِّي فِي مَقَامِ رَسُولِ اللَّهِ (ص) فَأَمَرَ بِالْقَبْضِ عَلَيْهِ وَحَبْسِهِ.» (بحار الانوار، ج ۴۸، ص ۲۱۳)

۳۶. میرزای نوری، مستدرک الوسایل، ج ۱، ص ۱۵. (به خدا قسم ستمی که بنی‌امیه به علویان کردند، ده یک آن ستمی نبود که بنی‌عباس کردند).

برای ترسیم وضعیت بحرانی اهل بیت (ع) در دوره هارون، کافی است به شخصیت‌های مهمی از علویان توجه شود که در این دوره به بند کشیده شدند و جان باختند. آنچه در این بین مهم می‌نماید، این است که با وجود تمام بی‌رحمی‌های هارون نسبت به علویان، به هیچ وجه آنان با هارون سازش نکردند و همواره مواضع قاطع و روشنی در مقابل او داشتند. ۳۸.

راه‌های برخورد هارون با علویان

هارون راه‌های گوناگونی برای مقابله با علویان پیمود؛ مانند طرح مناظرات مختلف بین عالمان سایر ادیان و فرق با افراد شاخص اهل بیت ۳۹ و نیز زندان و شکنجه ۴۰ و در تنگنای اقتصادی قرار دادن اهل بیت. ۴۱ برای نمونه، هارون در سفر به مدینه، به تمام بازماندگان صحابه بخشش‌های زیادی کرد، اما به هیچ‌کدام از

ص: ۲۶۹

علویان چیزی نداد. وقتی مأمون راز این کار را از پدرش جویا شد، هارون علت آن را خوف از قیام آنان دانست. ۴۲ هارون هم‌چنین از ارتباط مردم و شیعیان با اهل بیت به وسیله تبلیغات مسموم و دروغین جلوگیری می‌کرد و در صورت ناموفق بودن، برای کنترل رفت و آمدها جاسوس می‌گماشت.

اهل بیت و حاکمیت خلافت عباسی

یکی از ویژگی‌های علویان و در رأس آنان ائمه اطهار، برخورد با حاکمان جور است. آنان در طول تاریخ، در برابر ستمکاران نه سازش می‌کردند و نه سکوت. شکل مبارزه و تاکتیک آنان با توجه به واقع‌بینی سیاسی‌شان، با اختلاف زمان و اوضاع تغییر می‌کرد، اما از مواضع خود هرگز عقب‌نشینی نمی‌کردند. شکل‌های گوناگون مبارزه آنان با دستگاه خلافت عباسی را در قالب برخورد منفی آنان با دستگاه خلافت می‌توان دید که یکی از پیچیده‌ترین شکل‌های مبارزه با جریان سیاسی حاکم بود. مبارزه منفی، قابلیت و ظرفیت زیادی در مبارزات سیاسی دارد. این نحوه مبارزه، دلیل بر نفی مشروعیت نظام حاکم است و می‌تواند کم‌کم به شناخت مردم نسبت به حاکمان سیاسی و بی‌اعتمادی به حکومت آنان بینجامد. برخورد امام با صفوان بن مهران و متقاعد کردن او به همکاری نکردن با هارون نمونه تاریخی این شکل از

۳۷. «ارِی أَمِیْهَ مَعْدُورِیْنَ إِنْ قَتَلُوا وَ لَا أَرِیْ لِبنِی الْعَبَّاسِ مِنْ عُذْرٍ» (بحار الأنوار، ج ۴۹، ص ۳۱۸).

۳۸. الاختصاص، ص ۲۶۲؛ الحاج حسن، الإمام کاظم (ع)، ص ۲۶۵.

۳۹. ابن عنبه، عمده الطالب، ص ۲۱۶؛ شیخ صدوق، عیون أخبار الرضا (ع)، ج ۱، ص ۷۹.

۴۰. شوشتری، إحقاق الحق، ج ۱۲، ص ۲۹۶؛ حر عاملی، إثبات الهداه، ج ۴، ص ۲۴۲.

۴۱. الشیراوی، الإتحاف بحب الأشراف، ص ۳۰۰.

۴۲. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۸، ص ۱۳۱.

مبارزات سیاسی است. ۴۳ همکاری نکردن اهل بیت با خلفای ستمکار، و نفوذ در دستگاه خلافت برای کاهش فشارهای سیاسی و اقتصادی بر مردم از شیوه‌های دیگر مبارزه با دستگاه خلافت عباسی بود. ۴۴ هم

ص: ۲۷۰

چنین مبارزه با علمای درباری ۴۵ و مقابله با افکار انحرافی و فرقه‌های نوظهور، از دیگر شیوه‌های مبارزه آنان با حاکمان عباسی به شمار می‌آمد.

در بین خلفای عباسی، موسی‌الهادی در ۲۵ سالگی به خلافت رسید و با این که دولت مستعجلی داشت، و بیش از یک سال زنده نماند، ۴۶ اما نسبت به علویان بسیار سفاک و ستمگر بود. او در مدت خلافت کوتاه خود، علویان را به شدیدترین وجه سرکوب کرد. حسین بن علی شهید فخر، به سبب ستمگری‌های او، قیام نمود و همراه یاران خود، به وحشتناک‌ترین وجه به شهادت رسید. سرهای شهدا را که بیش‌ترین آنان از علویان بودند، بالای نیزه‌ها زدند و در میان شهرها گردانیدند. وقتی سر او را برای هادی آوردند، با اشعاری علویان را به قطع رحم ۴۷ سرزنش کرد و امام کاظم (ع) را سرمنشأ قیام دانست و سوگند یاد کرد که او را خواهد کشت:

و الله ما خرج حسين الا عن امره و لا اتبع الا حجتَه لانه صاحب الوصيه في هذا البيت قتلني الله ان ابقيت عليه؛

به خدا سوگند حسین به دستور و تبعیت از او خروج کرد، زیرا پیروی نمی‌کنند مگر امر او را و اوست که صاحب وصیت در این خانواده است. خدا مرا بکشد اگر او را زنده بگذارم. ۴۸

تهدیدات هادی وقتی به گوش علویان رسید، آنان بیش از خود بر جان امام بیمناک شدند. از این رو، به امام اصرار کردند که مخفی شود، اما آن حضرت با خواندن اشعار کعب بن مالک، دشمنی هادی با خود را به دشمنی قریش با رسول خدا (ص) تشبیه کردند که در این نزاع، قریش مغلوب پیامبر شدند. ۴۹ سپس مناجات

۴۳. «یا صفوان، کل شیء منك حسن جميل ما خلا شيئا واحدا».

۴۴. جعفر بن محمد بن اشعث، از جمله این افراد است. (كشف اللغمة، ج ۳، ص ۲۳؛ إنبات الهداه، ج ۴، ص ۱۳۸).

۴۵ بحارالانوار، ج ۲، ص ۳۶؛ حياه الإمام موسى بن جعفر (ع)، ج ۱، ص ۲۴۰.

۴۶. الأخبار الطوال، ص ۳۸۶.

۴۷. این شهر آشوب، المناقب، ج ۴، ص ۳۰۶.

۴۸. بحارالأنوار، ج ۴۸، ص ۱۵۱.

۴۹. برای متن مناجات نک: ابن طاووس، مهج الدعوات، ص ۲۲۷؛ بحارالأنوار، ج ۹۱، ص ۳۲۷.

ص: ۲۷۱

طولانی با خدای تعالی انجام دادند و پس از فراغت از دعا، نگاهی به یاران خود انداختند و فرمودند:

شما نباید ترس داشته باشید! نامه‌ای از عراق نمی‌رسد مگر نخستین نامه که می‌رسد در آن خبر مرگ موسی‌الهادی است. ۵۰

پس از مرگ هادی، برادرش هارون در سال ۱۷۰ قمری به خلافت رسید. هارون در آغاز حکومت، خواست سیاست خشن هادی را جبران کند، از این‌رو با ایشان ملایمت و همدردی کرد و به آنان امان داد و از علویان ساکن در بغداد، رفع مانع کرد و آنان را به جز عباس بن حسن بن عبدالله به مدینه بازگرداند و استاندار مدینه را که شکنجه‌گر آنان بود، برکنار کرد. ۵۱. اما علویان اعتقاد راسخ داشتند که خلافت حق ایشان است و هرگز دست به سازش نزدند و برای رسیدن به حق خود و هم چنین مبارزه با خودکامگی‌های خلفیه عباسی، از مبارزه دست برنداشتند؛ از این‌رو، ملایمت هارون ادامه نیافت و درگیری سختی میان ایشان آغاز شد ۵۲ و یکی پس از دیگری، شخصیت‌های مهم علویان را تعقیب کردند. او ادريس بن عبدالله بن حسن ۵۳ و برادرش یحیی ۵۴ را با نیرنگ به شهادت رساند. هارون در شیوه حکومتی خود بسیار سفاک بود و از ریختن خون هیچ بی‌گناهی دریغ نمی‌کرد.

سیاست خشن و ضد علوی هارون، تقویت استراتژی سیاسی سه حزب علوی موسوم به حسنیان انقلابی، اسماعیلیان ۵۵ و امامیه را موجب شد. گروه امامیه تحت

ص: ۲۷۲

امامت امام کاظم (ع) قوی‌تر و متشکل‌تر شدند، اینان برای رسیدن به اهداف سیاسی خود به نهضتی تدریجی تأکید داشتند، ولی امام هرگونه تصمیم مبنی بر قیام مسلحانه را رد کردند؛ زیرا آن را وظیفه قائم می‌دانستند. ۵۶

۵۰. حیاة الإمام موسی بن جعفر (ع)، ج ۱، ص ۴۸۲.

۵۱. سهیل طقوش، دولت عباسیان، ترجمه حجت‌الله جودکی، ص ۷۲، به نقل از تاریخ طبری، ج ۸، ص ۲۳۵.

۵۲. همان.

۵۳. أنساب الأشراف، البلاذری، ج ۳، ص ۱۳۷.

۵۴. أنساب اشراف، ج ۳، ص ۱۳۶؛ البدایه و النهایه، ج ۱۰، ص ۱۶۷.

۵۵. اسماعیلیه، امامت را پس از امام کاظم (ع) برای برادرش اسماعیل بن جعفر می‌دانند و از این‌جا از شیعه دوازده امامی جدا می‌شوند (مقالات الاسلامیین، ص ۲۶)

۵۶. تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم (عج)، ص ۶۸.

روشن‌گری‌های امام در طول یک دهه خلافت هارون، چنان کارایی داشت که فرزندش مأمون را به سر فرود آوردن در مقابل امام رضا (ع) و ترمیم گذشته پدرش وادار کرد و او تا حدودی از آزار علویان دست برداشت.

امام کاظم (ع) و مدعیان امامت

پراکندگی و اختلاف بین شیعیان، از جمله مشکلات امام کاظم (ع) بود. از یک‌سو پراکندگی جمعیتی شیعه و از طرف دیگر تعیین امام بعد از امام صادق (ع) با توجه به داعیه برخی از فرزندان ائمه، مشکلاتی را برای امام به وجود آورد و فشارها و سخت‌گیری‌های بنی‌عباس نیز این فشارها را دو چندان می‌ساخت. شکل و نحوه وصیت امام صادق (ع) که ناچار شدند منصور را هم مانند فرزندان و همسرش وصی خود قرار دهند، از جو خفقان سیاسی دوران خلافت منصور حکایت می‌کند. ۵۷ نمونه این اختلاف را می‌توان اعتقاد به امامت اسماعیل، عبدالله افطح و محمد دیباج برادران امام کاظم (ع) دانست که تحیر شیعه را فراهم ساخت.

فرقه‌های مهمی که در زمان امام کاظم (ع) پدیدار شدند و امامت آن حضرت را نپذیرفتند و از این جهت حضرت را با مشکل مواجه ساختند عبارتند از:

۱. فطحیه که بعد از امام صادق (ع) به امامت فرزندش عبدالله بن افطح معتقد شدند ۵۸ اما عبدالله بعد از شهادت امام چند روزی بیش‌تر زنده نماند و فرزند پسری نیز از خود به جا نگذاشت.

ص: ۲۷۳

۲. سمطیه که به امامت محمد پسر دیگر امام صادق (ع) معتقد شدند.

۳. ناووسیه که معتقد بودند امام صادق (ع) زنده‌اند و ایشان مهدی قائم هستند.

۴. اسماعیلیه که امامت اسماعیل را پذیرفتند با این‌که او در زمان حیات امام صادق (ع) از دنیا رفته بود.

با وجود همه ناملایمات در دوره امام کاظم (ع) شکوفایی حیرت‌انگیز شیعیان را شاهد هستیم. روی آوردن عده‌ای به وقف بعد از شهادت امام هفتم به جهت اموالی زیادی که در دست آنان بود، از این رشد حکایت می‌کند. ۵۹

قیام‌های علویان در دوره امام کاظم (ع)

علویان در تمام دوره بنی‌امیه و هم‌چنین در دوران بنی‌عباس، با مشکلات و دشواری‌های سختی مواجه بودند. بخش مهمی از مشکلات آن‌ها به جهت از بین بردن حقوق مردم توسط خلفا و یا منکراتی بود که حکومت‌ها مرتکب می‌شدند.

۵۷. اعلام‌الوری، ج ۲، ص ۱۳؛ إنبات الهداه، ج ۴، ص ۲۲۱.

۵۸. البیاضی، الصراط المستقیم، ج ۲، ص ۱۹۲.

۵۹. رجال‌الکشی، ص ۴۰۵ و ۴۶۸؛ طوسی، الغیبه، ص ۶۴.

بنی‌هاشم نیز برای مبارزه با منکر، به قیام‌های متعددی دست می‌زدند. آنان به حکم وظایف دینی خود، در برابر پاسداری از دین و جامعه اسلامی احساس مسئولیت می‌کردند. از این رو، وقتی کابوس سنگین ظلم و جور جامعه اسلامی را فرا گرفت، به میدان مبارزه با ستمگران آمدند. آنان به جهت این مبارزات، در تمام دوره امویان و همین‌طور عباسیان، از حقوق طبیعی خویش محروم و دچار سخت‌ترین مصیبت‌ها بودند ۶۰ عزت و مناعت طبع آنان هرگز اجازه ذلت و تسلیم را به آنان نمی‌داد. ۶۱ از این رو، برای احقاق حق جامعه اسلامی ناچار به قیام می‌شدند. ولی امامان بعد از نهضت امام حسین (ع) در هیچ قیامی مستقیم شرکت

ص: ۲۷۴

نکردند. در پشتیبانی آنان از این قیام‌ها مطالب مختلفی نقل شده است. بر اساس روایات، امام کاظم (ع) به برخی مانند یحیی دستور قیام دادند ۶۲ و شواهدی نیز گواه بر این مطلب است که امام، قیام‌کنندگان را به مبارزه با بنی‌عباس تشویق می‌کردند. ۶۳

نتیجه

اهل بیت (ع) با این‌که مصیبت‌های فراوانی را در دوران اموی و عباسی متحمل شدند، نقش محوری در تبیین و طرح بنیادین مذهب و تربیت نیروهای دینی ایفا کردند. بازتاب حرکت‌های اصلاحی آنان در عصر عباسی، چالش جدی با عباسیان بود. هارون و خلفای پیش از او عمیقاً به این نکته آگاه بودند که فعالیت‌های مذهبی و فکری آنان می‌تواند تهدیدی جدی برای خلافت باشد. از این رو، هارون فشارهای سخت و دهشتناکی را بر اهل بیت وارد کرد، ولی این کار نه قدرت او را استحکام بخشید و نه توانست عقیده عمومی را درباره شخصیت الهی و پرجذبه اهل بیت به ویژه امام کاظم (ع) تغییر دهد. از این رو، او به سیاست ارتشا، ارباب و ایجاد اختلاف بین امام و پیروان ایشان متوسل شد. فشارهای زیاد خلفای عباسی به علویان، سبب وقوع برخی قیام‌های علویان گردید. اما آن حضرت در این برهه از زمان، شأن خود و علویان را بالاتر از این‌گونه قیام‌ها می‌دانستند، لذا آنان را از چنین خروج و قیامی منع کردند و با روشن‌گری توانستند جامعه را آماده پذیرش حکومت علوی سازند.

ص: ۲۷۵

۶۰. برای بخشی از ظلم‌هایی که به فرزندان امام حسن (ع) می‌شد نک: مقاتل الطالبیین، ص ۳۴۰؛ ابن عساکر، تاریخ دمشق، ج ۱۳، ص ۲۷؛ تاریخ الإسلام، ج ۹، ص ۱۷.

۶۱. حیاة الإمام موسی بن جعفر (ع)، ج ۱، ص ۳۸۰.

۶۲. مامقانی، تنقیح المقال ج ۱، ص ۳۳۷.

۶۳. کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۳۶۶.

١. ابن شهر آشوب، محمد بن علي (م ٥٨٨)، مناقب آل أبي طالب، تحقيق لجنة من اساتذه النجف الاشرف، نجف: مكتبه الحيدريه، ١٣٧٦.
 ٢. ابن طولون، شمس الدين محمد (م. ٩٥٣)، الأئمة الاثنا عشر، قم: انتشارات رضى، بى تا.
 ٣. ابن كثير (م. ٧٧٤ ق.)، البدايه و النهايه، بيروت: مكتبه المعارف، ١٤٠٧ ق.
 ٤. ابن عساكر (م. ٥٧١ ق.)، تاريخ مدينه دمشق، به كوشش على شيرى، بيروت: دارالفكر، ١٤١٥ ق.
 ٥. احمد بن واضح (م ٢٨٤)، تاريخ يعقوبى، بيروت: دارصادر، بى تا.
 ٦. اربلى، على بن عيسى (م ٦٩٣)، كشف الغمه، تبريز: مكتبه بنى هاشمى، ١٣٨١.
 ٧. اصفهاني، ابوالفرج (م. ٣٥٦ ق.)، الاغانى، به كوشش على مهنا و سمير جابر، بيروت: دارالفكر.
 ٨. -، مقاتل الطالبين، به كوشش مظفر، قم: دارالكتاب، ١٣٨٥ ق.
 ٩. بلاذرى (م. ٢٧٩ ق.)، انساب الاشراف، به كوشش زكار و زرکلى، بيروت: دارالفكر، ١٤١٧ ق.
 ١٠. جاسم محمد حسين، تاريخ سياسى غيبه امام دوازدهم (عج)، مترجم سيد محمدتقى آيت اللهى، تهران: امير كبير، ١٣٨٥.
 ١١. الحاج حسن، حسين، باب الحوائج الإمام موسى الكاظم (ع)، بيروت: دارالمرتضى، ١٤٢٠.
 ١٢. حسنى، ابن عنبه (م. ٨٢٨ ق.)، عمده الطالب فى أنساب آل أبي طالب، قم: انصاريان، ١٤١٧.
- ص: ٢٧٦
١٣. الحسنى، هاشم، (م. ١٤٠٤)، سيره الأئمة الاثني عشر (ع)، نجف: المكتبه الحيدريه، ١٣٨٢.
 ١٤. خطيب بغدادى، تاريخ بغداد، مصحح مصطفى عبدالقادر عطا، بيروت: دارالكتب العلميه، ١٤١٧.
 ١٥. دينورى، ابوحنيفه (م ٢٨٢)، اخبار الطوال، تحقيق عبدالمنعم عامر، داراحياء الكتب العربيه، ١٩٦٠ م.
 ١٦. دينورى، ابوحنيفه (م ٢٨٢)، الاخبار الطوال، تحقيق عبدالمنعم عامر، داراحياء الكتب العربيه، ١٩٦٠ م.
 ١٧. ذهبى، محمد بن احمد، (م ٧٤٨)، تاريخ الاسلام، تحقيق عمر عبدالسلام تدمرى، بيروت: دارالكتاب العربى، ١٤١٠.
 ١٨. سبط بن جوزى (م. ٦٥٤)، تذكره الخواص، قم: منشورات الشريف الرضى، ١٤١٨ ق.

۱۹. السمهودی، علی بن عبدالله الحسن، (م. ۹۹۱)، جواهر العقدين فی فضل الشرفین، بغداد: مطبعة العانی، ۱۴۰۵.

۲۰. سیدبن طاوس (م. ۶۶۴)، مهج الدعوات و منهج العبادات، قم: دارالذخائر، ۱۴۱۱ ق.

۲۱. شبرای، جمال‌الدین (م. ۱۱۷۱)، الإتحاف بحب الأشراف، قم: دارالکتاب، ۱۴۲۳ ق.

۲۲. شریف قرشی، باقر، حياه الإمام موسى بن جعفر (ع)، بیروت: دارالبلاغه، ۱۴۱۳.

۲۳. شیخ صدوق (م. ۳۸۶ ق)، عیون أخبار الرضا (ع)، تهران: نشر جهان، ۱۳۷۸.

۲۴. شیخ طوسی (م. ۴۶۰)، الغیبه، قم: دارالمعارف الإسلامیه، ۱۴۱۱.

۲۵. شیخ مفید (م. ۴۱۳ ق)، الإختصاص، قم: کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳.

۲۶. -، الإرشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، قم: کنگره شیخ مفید.

۲۷. طبرسی، احمد بن علی (مقرن ۶)، الإحتجاج، تحقیق ابراهیم بهادری و محمدهادی به، تهران: دارالاسوه، ۱۴۱۶.

ص: ۲۷۷

۲۸. طبری (م. ۳۱۰ ق)، تاریخ طبری (تاریخ الامم و الملوك)، به کوشش محمد ابوالفضل، بیروت: داراحیاء التراث، بی تا.

۲۹. طقوش، سهیل، دولت عباسیان، ترجمه حجت الله جودکی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۴.

۳۰. عاملی، جعفر مرتضی، الصحيح من سیره النبی الأعظم، قم: دارالحديث، ۱۴۲۶.

۳۱. عطاردی، عزیزالله، مسند الإمام الكاظم أبي الحسن موسى بن جعفر (ع)، مشهد: آستان قدس رضوی، بی تا.

۳۲. القندوزی (م. ۱۲۹۴ ق)، ینایع الموده، به کوشش الحسینی، تهران: اسوه، ۱۴۱۶ ق.

۳۳. کرکی حائری، سیدمحمد (قرن دهم)، تسلیه المجالس و زینه المجالس، مؤسسه المعارف الإسلامیه، قم، ۱۴۱۸.

۳۴. کلینی (م. ۳۲۹ ق)، کافی، به کوشش غفاری، بیروت: دارالتعارف، ۱۴۱۱ ق.

۳۵. مؤمن بن حسن شبلنجی، نورالابصار فی مناقب آل بیت النبی المختار ۹، قم: رضی، بی تا.

۳۶. مالکی، ابن صباغ (م. ۸۵۵)، الفصول المهمه فی معرفه الاثمه، قم: دارالحديث، ۱۴۲۲.

۳۷. مامقانی (م. ۱۳۵۱ ق)، تنقیح المقال، نجف: المرتضویه، ۱۳۵۰ ق.

۳۸. مجلسی (م. ۱۱۱۰ ق)، بحار الانوار، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.

۳۹. محدث اربلی (م. ۶۹۲)، كشف الغمه فی معرفه الاثمه، قم: رضی، ۱۴۲۱.

۴۰. محمد بن حسن طوسی (م ۴۶۰)، امالی، تحقیق مؤسسه البعثة، قم: دارالتقافه، ۱۴۱۴.

۴۱. محمد بن عمر کشی (م. حدود ۳۵۰)، رجال الکشی (اختیار معرفه الرجال)، مشهد: دانشگاه فردوسی، ۱۳۴۸ ش.

ص: ۲۷۸

۴۲. مرعشی، قاضی نورالله، احقاق الحق وازهاق الباطل، قم: مکتبه آیت الله المرعشی، ۱۴۰۹.

۴۳. مسعودی، علی بن حسین (م. ۳۴۶)، مروج الذهب و معادن الجوهر، قم: دارالهجره، ۱۴۰۹.

۴۴. نباطی بیاضی، شیخ علی (م. ۸۷۷)، الصراط المستقیم إلى مستحقى التقديم، نجف: المکتبه الحیدریه، ۱۳۸۴.

۴۵. نیشابوری، فتال، روضه الواعظین، تحقیق سید محمد مهدی سید حسن الخراسان، قم: منشورات الرضی، بی تا. ۶۴

ص: ۲۷۹